

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی مبانی حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه در نظم جهانی حقوق بشر

دکتر نصرت الله صابری (نویسنده مسؤول)^۱، دکتر منصوره باقری پور^۲، دکتر سید ابراهیم حسینی^۳
۱- وکیل پایه یک دادگستری مرکز - دانش آموخته حقوق دانشگاه تهران Saberi.nosratoll@ut.ac.ir
۲- رئیس اداره پژوهشی پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران
۳- عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
دریافت: ۹۸ / ۲ / ۱۵ پذیرش: ۹۸ / ۵ / ۲۰

چکیده

وجود جامعه‌ای بدون هنجارشکن، بیشتر شبیه به تصور مدینه فاضله می‌ماند و برخورد با افراد چنین جامعه‌ای در مقام اتهام می‌تواند بسیار چالش‌برانگیز باشد. یکی از مواردی که جامعه بین‌الملل آن را به رسمیت شمرده، حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه است. حقی که در پرتو آن، تمامی انسان‌ها در مقابل دادگاه، با رعایت اصل بی‌طرفی برابر باشند، که در این مجال به تبیین جایگاه آن در عرصه قوانین داخلی و بین‌المللی پرداخته شده است، زیرا چنین به نظر می‌رسد که برخی دولت‌مردان با نادیده انگاشتن آن در فرایند رسیدگی و خروج از جاده عدالت و انصاف، آن را در ورطه خطر قرار داده‌اند و با فشار گروه‌های سیاسی، روند محاکمه بیشتر تشریفاتی تلقی خواهد شد. بنابراین، با احتجاج به میثاق‌های بین‌المللی و ضرورت ایجاد ساز و کار حق بهره‌مندی متهم از یک محاکمه عادلانه در قوانین داخلی، ضرورت اصرار بر این مهم، در بیان حق متهم، که همانا هدف حقوق اعتلای اخلاق است، مد نظر بوده است.

کلیدواژه‌ها: آیین دادرسی کیفری، حق، متهم، محاکمه عادلانه، میثاق بین‌المللی.

۱- مقدمه

انسان امروزی، دیگر آن غارنشین عصر حجر یا محکوم بدون دفاع قرون وسطی نیست که حقوق خود را نشاناسد یا جهالت خود را باور داشته باشد. انسان قرن ۲۱ در پس اثبات موجود زنده در فرای کره خاکی و در حال شکافتن مغز خویش در کالبد جسم است تا بتواند با اندازه‌گیری کیفی و کمی آن، از راز خلقت سر درآورد؛ البته از این بشر که اشرف مخلوقات است و دم کبریایی در کالبد او حلول یافته و قرار است خلیفه‌الله فی الارض شود، انتظاری جز این نمی‌رود که در مسیر الهی که برای آن آفریده شده است، گام بردارد.

با این وجود، همین انسان کبریایی، با تقویت میل طمع خویش به فکر دست‌اندازی به حقوق سایرین رفت و بر سر انسانیت آن شد، که نمی‌باید و در طول جنگ‌های بی‌شمار، اعم از داخلی، صلیبی (۱)، جهانی اول و دوم، کشتار انسان‌های بی‌گناه بسیاری را موجب گردید، لکن نمی‌توان بیداری‌های فکری و اندیشه حفظ و صیانت از انسان‌ها پس از برقراری آرامش نسبی بعد از جنگ، طی کنوانسیون‌های بین‌المللی را منکر شد؛ گرچه بسیاری از حقوق‌دانان چنین اندیشه‌هایی را نیز ناشی از خوی استعماری قدرت‌های استکباری، به منظور استقرار تسلط بیشتر خود بر سایر دول می‌دانند، ولی تقویت و اصلاح آن اندیشه‌ها، که بعدها تحت عنوان معاهدات بین‌المللی خودنمایی کرد، به نوعی می‌توان گفت در خدمت بشریت قرار گرفت و نتوانست اندیشه استکباری واضعان آن را جامه عمل بپوشاند و در واقع، معاهدات، فرزند ناخلف آنان و وارث خلف انسانیت قلمداد می‌شوند.

بعد از آن نیز آزاداندیشان، با شناسایی بهتر و برتر انسان‌ها، حقوق و آزادی‌های فردی انسان‌ها را در هیئت حقوق و آزادی‌های نسل اول، نسل دوم، نسل سوم و نسل چهارم (۲) تدوین نمودند که مورد توجه جهانیان قرار گرفت (۳).

انسان امروزی دیگر با هر نهی از جا نمی‌هراسد، حقوق خود را خوب می‌شناسد و مصرانه در پی مطالبه حقوق خویش است. این انسان هم حقوق خود را خوب بازشناخته و هم در مقابل این حق، برای خود تکلیف تصور نموده و نیز به خوبی می‌داند که ضمانت اجرای آن تکالیف، تحت عنوان قانون، از او بازخواست خواهد شد. در واقع، نکته این است که نحوه این بازخواست چگونه است؟ آیا او محاکمه‌ای عادلانه خواهد داشت یا چاره‌ای جز سپردن عاقبت کار به سرنوشت محتوم خویش نداشته و مانند محاکم سیاه قرون وسطی (۴)، ابتدا محکوم و سپس حرف او شنیده می‌شود؟

حق محاکمه عادلانه یکی از حقوقی بوده که بر اثر زور و زر سیاستمداران و حکام همیشه در ورطه فراموشی و نابودی قرار گرفته است؛ تا این که با تدوین معاهدات حقوق بشری، این حق کم‌کم به

رسمیت شناخته شد؛ به طوری که به جرأت می‌توان ادعا نمود در اکثر کشورهای مترقی، از جمله کشور دین‌مدار ایران اسلامی، به خوبی در پرتو احکام الهی و قوانین کارآمد روز، رعایت می‌شود و چون مطابق فطرت پاک انسانیت و از باب انصاف است، مورد پذیرش جامعه جهانی واقع شده و قاطعانه از آن نگاهبانی می‌کند.

به این منظور، بررسی بهره‌مندی انسان‌ها از حق یک محاکمه عادلانه در نظم جهانی، سرمطلع این پژوهش است.

۲- واژه‌شناسی

۲-۱- حق

حق در واژه‌نامه عمید به معنای راست، درست، ضد باطل، واجب، کاری که ابتدا واقع شود آمده است (عمید، ۱۳۶۹: ذیل واژه). برخی حقوقدانان حق را یکی از عناصر توان و اختیار و سلطه دانسته و گفته‌اند حق، سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به منظور منافع اشخاص به آنها می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۴۹).

از نظر واژه‌شناسی در مراجع تخصصی نیز حق در معانی ذیل بکار برده شده است:

الف) قدرتی که از طرف قانون به شخص داده می‌شود؛

ب) نوعی از مال؛

ج) امور قابل تغییر به نفع خود، که در قانون ذکر شده (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ذیل واژه).

صاحب مجمع‌البیان نیز حق را قرار گرفتن چیزی در موضع خود دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰۱).

حق در لغت نیز ورای تعاریف بیان شده، در معانی گوناگونی به کار رفته است. برخی از معانی لغوی این واژه به شرح: راستی، عدالت، ثابت و یقین که در آن جای تردید و انکار نباشد، شایسته و سزاوار، راستی در گفتار، مال، ملک و سلطنت، بهره و نصیب، امر صورت پذیرفته و انجام شده، دوراندیشی و ... است (رمضانی، ۱۳۹۰: ۹۰).

از نظر راغب اصفهانی در مفردات، حق در اصل به معنی مطابقت داشتن و موافقت داشتن است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳: ذیل واژه).

با تدقیق در واژه‌های بیان شده در باب حق، مثبت این ادعا است که حق در علوم مختلف کاربردهایی متفاوت دارد و کاشف این مطلب است که دیدگاه فلاسفه از حق، که مبتنی بر مطلق وجود است با نگاه حقوقدانان، که آن را اعتباری و دارای پشتوانه قانونی می‌دانند، متفاوت است و حکایت از این دارد که مفهوم حق در علم حقوق سوای معانی ابرازی است.

در میان فقیهان متأخر شیعه، نخستین تعریف اصطلاحی حق از شیخ انصاری است (کبیری سرمزده، ۱۳۹۵: ۱۵۵ به نقل از صرامی، ۱۳۹۱: ۳۰)، که می‌فرماید: حق عبارت است از سلطنت و ملک. حق سلطنت فعلی است (شیخ انصاری، ۱۴۵: ۹/۳) و در موضعی دیگر با استناد به قول برخی فقیهان (فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷: ۴۸۲/۱) حق را از قبیل ملک دانسته است (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۱/۵-۱۲).

با این تفاسیر حق را باید از منظر حقوقدانان بازتعریف نمود و از آنجا که در این پژوهش، صرفاً سعی در بیان برخی مفاهیم حقوقی حق را داشته و درصدد بیان تعارضات و تفاسیر متفاوت از حق در علوم متفاوت نیستیم، لذا صرفاً به تعریف مشترک از حق بسنده خواهد شد. علی‌ای‌حال با تدقیق در بیان حق و تعاریف آن، می‌توان فصل مشترک این واژه را در اهلیت تمتع دانست. به عبارت دیگر، حق را می‌توان امتیازی دانست که به موجب قانون ایجاد شده است و دیگران به رعایت آن مکلف هستند.

۲-۲- بهره‌مندی

به دور از ایجاد انشقاق و جدایی در تعریف بهره‌مندی در علوم متفاوت، بهتر است بهره‌مندی، همان امکان استیفاء و به حیطة اختیار درآوردن معنی شود، یعنی امکان استفاده از حق مطابق قانون، که شخص می‌تواند از امتیارات این حق بهره‌مند شود.

۲-۳- محاکمه

محاکمه، همان وادار کردن کسی به حکم و الزام شخص به رعایت قانون توسط قانون تعریف شده است. واژه محاکمه در فرهنگ‌های لغت با معانی بسیار نزدیک به هم آمده است، مانند دادرسی (معین، ۱۳۸۷: ذیل واژه)، برهم اقامه دعوی کردن (عمید، ۱۳۶۹: ذیل واژه) و با کسی به حکم شدن (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه).

واژه محاکمه در حقوق مترادف دادرسی دانسته شده (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۶۲۳) و واژه دادرسی را نیز در دو شق، این‌گونه تعریف نموده‌اند:

الف) رشته‌ای از علم حقوق، که هدف آن تعیین قواعد راجع به تشکیلات قضایی صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاهها می‌باشد، که این نوع تعریف عام از دادرسی (محاکمه) تلقی می‌شود؛

ب) به معنی اخص نیز دادرسی (محاکمه) مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه حل قضایی بکار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۲۷۳).

چنین به نظر می‌رسد که تعریف اخص آن با عنوان پژوهش حاضر هم‌خوانی بیشتری دارد. بنابراین، بهتر است واژه محاکمه در علم حقوق، دادگاهی کردن، رسیدگی کردن به اتهام کسی، دادگری و دادورزی ترجمه شود؛ گرچه برخی از تعاریف در قالب اسم و بعضاً در قالب فعل (محاکمه کردن) آمده است، لکن فصل مشترک همه تعاریف، همان رسیدگی به اتهام شخص است.

۲-۴- عادلانه

واژه عادلانه در اکثر فرهنگ‌های لغت مخرجی مشترک دارد تحت عنوان "از روی عدل و انصاف" (معین، ۱۳۸۷: ذیل واژه) و کلماتی از قبیل منصفانه و دادگرانه را نیز هم معنی آن می‌دانند. در واقع، انصاف از جمله مفاهیمی است که در همه فرهنگ‌ها و در عرصه دانش‌های مختلف؛ به ویژه اخلاق و حقوق از دیرباز مطرح بوده است. با مطالعه مکاتب مختلف حقوقی ملاحظه می‌شود که اصول زیرساخت انصاف در تمامی مکاتب، آشکارا با یکدیگر مشابه است، زیرا از طبیعت انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد. انصاف نه از قانون منبعث می‌شود و نه با آن تعریف می‌شود (۷). به هر تقدیر، با توجه کافی به مبانی واژه عادلانه، که مشتمل بر عدل، استحسان و انصاف است، می‌توان در جهت تبیین واژه عادلانه و بیان مختصات یک نظام عادلانه، آن را به تصویر کشید. برابر آموزه حقوق داخلی و بین‌المللی، که در پرتو نظام حقوق بشری محقق شده است، در یک نظام عادلانه کارآمد، تضمین حق دفاع متهم، استقرار اصل برائت، امکان اطلاع‌رسانی متهم به خانواده خود، دسترسی آسان به وکیل و حق انتخاب وکیل، عدم بازداشت بی‌دلیل، محدودیت در بازداشت موقت، حفظ کرامت انسانی افراد و ... که گاهی در قوانین اساسی و قوانین داخلی، از جمله قانون آیین دادرسی کیفری، قانون حقوق شهروندی و ... نمود پیدا کرده، همه را می‌توان از مشخصات و خصیصه‌های ذاتی عدل و انصاف دانست.

۲-۵- حقوق بشر

همانگونه که امروزه حقوق بشر (۸)، به عنوان بازتاب اندیشه و افکار و اراده سیاسی انسان‌ها نمود پیدا کرده، حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری، به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. این حقوق، طی یک پیمان بین‌المللی در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پاریس به تصویب رسید. در این اعلامیه، برای اولین بار حقوقی را که تمام انسان‌ها مستحق آن بوده و حق بهره‌مندی آن را داشته‌اند، به صورت جهان‌شمول بیان شده است.

در نتیجه، حقوق بشر به حقوقی گفته می‌شود که همگان در همه زمان‌ها و مکان‌ها از آن

برخوردارند و غیرقابل سلب و اسقاط است، مگر به موجب قوانین و ضمن جهان‌شمول بودن، صرف‌نظر از نژاد، ملیت، جنسیت، مذهب، رنگ و زبان، همه در استفاده و بهره‌مندی از این حقوق برابرند.

تاریخچه و نحوه تدوین این حقوق، مبین این واقعیت است که این حقوق شامل حقوق طبیعی و حقوق قانونی می‌شود. در واقع، حقوق بشر زبان مشترک انسانیت در دفاع از حقوق انسان‌ها در کره خاکی است. طبق ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر، تمامی ابناء بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ منزلت و حقوق با هم برابرند. به آنها، موهبت عقل و وجدان عطا شده است و باید نسبت به یکدیگر روحیه برادری داشته باشند (۹).

اینک با واژه شناسی محاکمه عادلانه در نظم جهانی حقوق بشر، این مهم حاصل شد که رسیدگی به اتهام یک شخص، بدون در نظر گرفتن جنسیت و سایر خصوصیات ذاتی وی، و با رعایت قوانین و مقررات بین‌المللی و داخلی، که موجب تخریب کرامت فرد نشود را می‌توان یک دادرسی عادلانه برشمرد، که به تشریح آن می‌پردازد.

۳- تدوین قوانین عادلانه

بعد از رنسانسی که پس از اتمام جنگ جهانی دوم روی داد و منجر به شناسایی حقوق بشر در قالب نسل‌های اول تا چهارم گردید، بتدریج حقوق تدوین‌شده، نیازمند ساز و کار اجرایی در درون دولت‌ها بود، که بتواند آن حقوق را به مرحله اجرا درآورد، زیرا عموماً حقوق در معاهدات بین‌المللی، به عنوان مبانی بیان شده و تدوین نحوه اجرای آن، با تصویب قوانین داخلی یا اصلاح قوانین موجود داخلی، به عهده دولت‌ها گذارده می‌شود. حق محاکمه عادلانه به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر در سطح بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است، مثلاً حق مذکور در اسناد بین‌المللی مهمی، نظیر مواد ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی بشر (۱۹۴۸)، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)، بندهای ۷-۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و اسناد منطقه‌ای، نظیر کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) و معاهده حقوق کودک (۱۹۹۸) مورد شناسایی واقع شده است و با ذکر این نکته که مبانی یک دادرسی عادلانه در نظم جهانی حقوق بشر، صرفاً به این کنوانسیون‌ها منحصر نمی‌گردد، به بیان موارد مشترک می‌پردازد.

۴- محاکمه عادلانه در اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر با ذکر این مهم در مقدمه خود، که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل

می‌دهد و عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر به اعمال وحشیانه‌ای منتهی می‌گردد، با ذکر این نکته در ماده ۷ خود، که همه افراد در پیشگاه قانون یکسانند و حق دارند که بدون هیچ تفاوت از پشتیبانی قانون به طور برابر استفاده کنند. هر کس حق دارد در مقابل هرگونه تبعیض، که ناقض این اعلامیه باشد و در مقابل هرگونه عملی، که چنین تبعیضی را تشویق کند، از حمایت یکسان قانون برخوردار گردد، در ماد ۱۰ منشور خود مبانی یک دادرسی عادلانه را تشریح و مقرر می‌دارد: "هرکس حق دارد با استفاده کامل از تساوی حقوق با دیگران، دعوای او در یک دادگاه مستقل و بی‌طرف عادلانه و علنی رسیدگی شود و آن دادگاه در باره حقوق و تعهدات او، یا صحت هرگونه اتهام کیفری که به او متوجه باشد حکم دهد".

در تحکیم مبانی ماده ۱۰ با رعایت اصل بی‌گناهی متهم (اصل برائت)، در ماده ۱۱ و تا قبل از اثبات مجرمیت شخص، حکم بر بی‌گناهی او می‌دهد؛ به طوری که مقرر می‌دارد: "هرکس متهم به ارتکاب جرمی باشد، تا وقتی تقصیر او طی محاکمه علنی، که در آن هرگونه تضمین ضروری برای دفاع تأمین شده باشد قانوناً به ثبوت نرسد، بی‌گناه محسوب می‌شود".

در فرازی دیگر از ماده ۱۱، محکومیت فرد در پرتو قوانینی است که باید عمل ارتكابی مرتکب را جرم‌انگاری نموده باشد. در واقع، مطابق اعلامیه حقوق بشر، هیچ کس به علت ارتکاب عملی یا خودداری از عملی محکوم نخواهد شد، مگر وقتی که آن کار به موجب قوانین ملی یا بین‌المللی در هنگام ارتکاب، جرم محسوب باشد. از سوی دیگر، علاوه بر این که عمل ارتكابی باید جرم‌انگاری شده باشد و متهم به صورت عادلانه، محاکمه گردد، باز بر این نکته تأکید دارد که هیچ کس به مجازاتی بیش از مجازات مقرر در هنگام ارتکاب جرم محکوم نخواهد شد.

۵- محاکمه عادلانه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۰) توسط اعضای شورای اروپا تدوین یافته است. با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، که مجمع عمومی ملل متحد آن را در تاریخ دهم دسامبر ۱۹۴۸ به رسمیت شناخته و با در نظر گرفتن این موضوع که هدف این اعلامیه تضمین به رسمیت شناخته شدن و رعایت حقوق ذکر شده در آن، به صورت جهانی و مؤثر با هدف، هدف حفظ و تحقق هرچه بیشتر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌باشد، در ۵۹ ماده در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ در رم تصویب گردید.

این کنوانسیون در باب محاکمه عادلانه در مواد مختلف و به بیان‌هایی متفاوت اشاره کرده است. از جمله بند یک از ماده ۵ اشعار می‌دارد: "هر شخص از حق آزادی و امنیت فردی برخوردار است.

هیچ کس را نباید از آزادی‌اش محروم کرد". در این ماده با بیان استثنائاتی، سعی در مصداق سازی آنها از قبیل بازداشت فرد در صورت عدم تمکین از حکم دادگاه، حبس فرد پس از صدور رأی قطعی، ممنوع‌الورود یا ممنوع‌الخروجی افراد مطابق احکام صادره و ... و جلوگیری از تفسیر موسع بر علیه متهم دارد.

در ماده ۶ به دلیل اهمیت موضوع طی یک ماده مستقل تحت عنوان حق برخورداری از محاکمه عادلانه، به تشریح موضوع می‌پردازد که هر شخص در تعیین حقوق و تعهدات مدنی خود یا هر نوع اتهام جنایی علیه وی حق دارد از یک جلسه استماع دادرسی در محدوده زمانی مناسب، توسط دادگاه قانونی مستقل و بی‌طرف برخوردار باشد. نتیجه دادرسی باید به صورت عمومی اعلام شود. با این حال، ممکن است مطبوعات و عموم مردم از شرکت در تمام یا بخشی از جلسات محاکمه به دلایل اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه مردم‌سالار، که رعایت مصالح جوانان یا حفاظت از حریم خصوصی طرف‌های دعوا ضروری است یا در مواردی که به تشخیص قطعی دادگاه، اعلان عمومی آن مضر مصالح عدالت شناخته شود، را به عنوان مبانی یک محاکمه عادلانه برشمرده و در سایر مواد و بندهای مرتبط به بیان جزئیاتی دقیق‌تر، از جمله: سخن گفتن به زبان قابل فهم توسط متهم، اطلاع از اتهام، امکان زمان تهیه لایحه دفاعیه، حق دسترسی به وکیل، عدم مجازات بیشتر از قانون و ... سعی در حفظ چارچوب این محاکمه عادلانه دارد.

۶- محاکمه عادلانه در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق مذکور در سال ۱۹۶۶ میلادی مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و در سال ۱۹۷۶ به اجرا درآمد. این معاهده را در راستای توسعه و پذیرش جهانی اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸ می‌دانند. این میثاق در مقدمه خود با اعتراف به هدف محاکمه عادلانه حقوق مدنی و سیاسی بیان داشته است کشورهای طرف این میثاق با توجه به اصول اعلام شده در منشور ملل متحد، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر، مبنای آزادی - عدالت و صلح در جهان است، با اذعان به این که حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است و همچنین پذیرش قطعی این موضوع که مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد رهایی‌یافته از ترس و فقر، فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی او ایجاد شود، بر لزوم تبعیت و احترام به حقوق و آزادی‌های بشر، به این میثاق اهتمام نموده‌اند.

مطابق بند یک از ماده ۱۴ این میثاق، همه در مقابل دادگاهها و دیوان‌های دادگستری مساوی

هستند. هر کس حق این را دارد که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف تشکیل شده طبق قانون، رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در مورد مدنی اتخاذ تصمیم بنماید.

در بسیار مواد مشابه، کمیسیون اروپایی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر به نحوه محاکمه، که به صورت علنی باشد یا غیرعلنی و استثنائات آن، رعایت فرض بی‌گناهی متهم، زبان قابل فهم، لایحه دفاعیه، دسترسی به وکیل و مترجم و... مبادرت به تدوین مواد مربوط به محاکمه عادلانه در فراز وسیع‌تر و کامل‌تر نسبت به کنوانسیون‌های قبلی نموده است.

در بند ۴ از ماده ۱۴، رعایت محاکمه عادلانه را در خصوص اشخاص غیربالغ بیان داشته؛ به نحوی که تکلیف نموده است آیین دادرسی جوانانی که از لحاظ قانون جزا هنوز بالغ نیستند باید به نحوی باشد که رعایت سن و مصلحت اعاده حیثیت آنان را بنماید.

۷- کنوانسیون امریکایی حقوق بشر

با نگاهی به سرعت تدوین و تصویب کنوانسیون‌های حقوق بشری در سطح منطقه‌ای و جهانی، به جرأت می‌توان این‌گونه ادعان نمود که نوعی رقابت پنهان در سایه گفتمان‌های بین‌المللی و سردمداری این کنوانسیون‌ها به وجود آمد و با رشد روز افزون این گفتمان‌های حقوق بشری و شکل‌گیری و تدوین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حرکت حمایت حقوق بشرگرایی در مناطق و قاره‌های مختلف پیگیری و سرعت گرفت. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، از جمله معاهدات الزام‌آور منطقه‌ای حقوق بشر است، که در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ در کنفرانسی دیپلماتیک (۱۱) بین کشورهای آمریکایی، که در سن‌خوزه (۱۲) کاستاریکا تشکیل شده بود تصویب و در معرض امضای کشورهای آمریکایی گذاشته شد و در ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۸ نیز قابلیت اجرا پیدا نمود؛ گرچه این معاهده مشابهت زیادی با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۹) و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) دارد، اما با این حال تفاوت‌هایی متعدد را می‌توان میان این اسناد، چه از لحاظ شکلی و چه ماهوی، برشمرد. بارزترین وجهه مشترک بین این سه معاهده را می‌توان به انعکاس حقوق بشر فردی یا حقوق نسل اول در آنها مربوط دانست (۱۳)، که به دلیل این که در این پژوهش مقرر است صرفاً به بُعد محاکمه عادلانه بسنده شود، از سایر موارد گذر می‌شود.

ماده ۸ این کنوانسیون، مواردی را به عنوان مبانی محاکمه عادلانه برشمرد، که بسیار شبیه به سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی ماقبل در این حوزه است. مواردی از قبیل: حق بر رفتار و برخورد انسانی و ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، تحقیرآمیز و ظالمانه، حق دادرسی عادلانه در ماده ۱۲، حق حمایت قضایی در ماده ۲۹ در این کنوانسیون آمده است؛ گرچه مواد مذکور

گاهی به صورت مقید یا مطلق تدوین شده‌اند، لکن برای اجرای این کنوانسیون‌ها نهادهای نظارتی خاصی بسته به مواد مربوط در نظر گرفته شده است.

۸- محاکمه عادلانه در کنوانسیون حقوق کودک

این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) لازم‌الاجرا شد. تاکنون ۱۹۳ کشور این سند را تصویب کرده یا به آن ملحق شده‌اند. قابل ذکر است که دولت جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۷۲ با «قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک» و با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسماً این کنوانسیون را پذیرفت؛ مشروط بر آن که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجرا نباشد. در مقدمه این معاهده آمده است:

تشخیص این که سازمان ملل در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر اعلام و موافقت نموده که هر یک از افراد بدون هرگونه تبعیض از نظر نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، جایگاه اجتماعی یا ملی، تولد و یا سایر خصوصیات، در تمام حقوق و آزادی‌هایی که در آن کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌ها اعلام شده، ذیحق می‌باشند، و همچنین بیان این موضوع که تشخیص این که کودک برای رشد کامل و متعادل شخصیتی خود می‌بایستی در محیط خانواده و در فضایی (مملو) از خوشبختی، محبت و تفاهم بزرگ شود و سایر مواردی از این دست، که مکمل اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر معاهدات حقوق کودک می‌باشد، به توافق رسیده‌اند (۱۴).

پیمان‌نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. دولت‌هایی که این معاهده را امضا کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند و شکایت‌های راجع به آن، به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می‌شود. مطابق ماده یک این کنوانسیون، کودک به هر انسان کمتر از ۱۸ سال گفته می‌شود، مگر آن که قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد.

این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده و دو پروتکل اختیاری بوده که چهار اصول پایه‌ای آن را جهت می‌دهد:

(الف) هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد؛

(ب) زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم‌گیری می‌شود، باید منافع عالی‌ه آنان در رأس قرار گیرد؛

- (ج) کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند؛
- (د) کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آنها مربوط می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد.
- درواقع، این کنوانسیون، ضامن محاکمه عادلانه کودکانی است که به دلیل انجام جرایمی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند.
- در بند ۲ از ماده ۱۲ نیز مقرر شده است: بدین منظور، خصوصاً برای کودک فرصت‌هایی فراهم آورده شود تا بتواند در هر یک از مراحل دادرسی اجرایی و قضایی مربوط به وی، به طور مستقیم یا از طریق یک نماینده یا شخصی مناسب، به طریقی که مطابق با مقررات اجرایی قوانین ملی باشد، ابراز عقیده نماید. درواقع، مطابق این بند، حمایت‌های قضایی، که لازمه یک محاکمه عادلانه است، به رسمیت شناخته شده و در برخی مواد، از جمله حق آزادی عقیده، آزادی مذهب، آموزش و پرورش و غیره قیودی را برای جامعه جهانی تدوین نموده است، لکن فصل الخطاب کنوانسیون کودک را در راستای محاکمه عادلانه باید در ماده ۳۷ معاهده دنبال کرد؛ آنجا که می‌گوید: کشورهای طرف کنوانسیون، اجرای اقدامات ذیل را متقبل می‌شوند:
- (الف) هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی قرار گیرد. مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد؛
- (ب) هیچ کودکی نباید به طور غیرقانونی و خودسرانه زندانی شود. دستگیری، بازداشت و یا زندانی کردن یک کودک می‌بایست مطابق با قانون باشد و به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاهترین مدت ممکن باید بدان متوسل شد؛
- (ج) با کودک زندانی باید به خاطر مقام ذاتی انسان، رفتاری انسانی و توأم با احترام داشت؛ به نحوی که نیازهای به خصوص سنی وی در نظر گرفته شود. کودکان زندانی خصوصاً باید از افراد بزرگسال جدا شوند، مگر این که این امر مغایر مصالح کودک باشد. کودک جز در شرایط استثنایی حق دارد با خانواده خود از طرق نامه و ملاقات تماس گیرد؛
- (د) هر کودک زندانی می‌بایست از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدت‌های ضروری و نیز حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندانی شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات ذیصلاح، مستقل و بیطرف و تصمیم‌گیری سریع در این گونه موارد برخوردار باشد.
- در ماده ۴۰ کنوانسیون نیز به ضوابط و مواردی اشاره خواهد شد که در جریان یک محاکمه عادلانه فرد زیر ۱۸ سال، ضروری است که مراعات شود. مواردی از قبیل:
- (الف) هیچ کودکی نباید به خاطر اعمالی که در زمان ارتکاب توسط قانون ملی یا بین‌المللی منع

نشده، متهم یا گناهکار شناخته شود؛

ب) هر کودکی که متهم یا محکوم به نقض قانون کیفری شود، حداقل دارای تأمین‌های ذیل خواهد بود:

- بی‌گناه شناخته شدن تا زمانی که جرم طبق قانون ثابت بشود؛

- اطلاع مستقیم و سریع از اتهامات وارده بر علیه وی، در صورت لزوم از طریق والدین یا قیم قانونی، و (حق) داشتن مشاوره حقوقی یا سایر کمک‌ها در تهیه و ارائه لایحه دفاعیه؛

- روشن شدن موضوع در اسرع وقت توسط مقام یا ارگان قضایی بی‌طرف و مستقل و طی یک دادرسی عادلانه در حضور وکیل یا سایر کمک‌های حقوقی، مگر این که این امر در جهت منافع کودک تشخیص داده نشود، خصوصاً با در نظر گرفتن سن، موقعیت یا والدین یا قیم قانونی کودک؛

- مجبور نبودن به دادن شهادت یا اظهار تقصیر و امکان بررسی اظهارات شهود مخالف و کسب اجازه برای شرکت و بررسی اظهارات شاهدان وی در شرایط مساوی؛

- دسترسی به مقام یا ارگان قضایی ذی‌صلاح، بی‌طرف و مستقل بالاتر بر طبق قانون، در صورت مجرم‌شناخته‌شدن حق استفاده رایگان از مترجم، در صورتی که کودک قادر به درک زبان مورد استفاده (در دادگاه) نباشد؛

- محرمانه بودن کامل موضوع در طول مراحل دادرسی؛

و مواردی از این دست، که اجرای عادلانه یک محاکمه را تضمین می‌نماید.

با این تفاسیر، می‌توان اذعان نمود که اعلامیه جهانی حقوق بشر در بیشتر اهداف خود از جمله حقوق کودک به سرمنزل مقصود رسیده است؛ گرچه تا تکمیل و نهایی شدن آن در سایر ابعاد انسانی، راه زیادی باید پیموده شود.

۹- محاکمه عادلانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

برابر قوانین حقوق بشری، که شرح آن به صورت مبسوط بیان شد، هرکسی حق دارد بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد، مذهب، رنگ، زبان و ... از حقوق مصرحه قانونی خود هنگام محاکمه برخوردار، و در حمایت قانون باشد، زیرا نقض حقوق اولیه انسان‌ها، بی‌اثر بودن محاکمه و بطلان آن را موجب خواهد شد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از فقه امامیه، به عنوان سرآمد علوم، با اندک تغییراتی موادی را به محاکمه عادلانه اختصاص داده و برای هر یک نیز در قوانین داخلی ضمانت اجرایی معرفی نموده است:

* اصل نوزدهم: تساوی حقوق انسان‌ها را بعنوان پایه یک محاکمه عادلانه در نظر گرفته است (۱۵)؛
 * اصل بیستم: حمایت عام قانون نسبت به همه را در پرتو تعالیم دین مبین اسلام ملحوظ نظر داشته است (۱۶)؛

* اصل سی و چهارم: امکان دادخواهی برای همگان را به عنوان چتر دادخواهی گسترانیده است (۱۷)؛

* اصل سی و پنجم: حق انتخاب وکیل را به عنوان عنصر دخیل در محاکمه عادلانه دانسته است (۱۸)؛

* اصل سی و ششم: قانون خط قرمز رسیدگی به دعاوی است (۱۹)؛

* اصل سی و هفتم: جاری نمودن اصل برائت پیش از مجرمیت یا در حدوث شک (۲۰)؛

* اصل سی و هشتم: ممنوعیت اخذشکنجه در بازجویی‌ها موجب نقض محاکمه عادلانه است (۲۱).
 به این سان، اصول اساسی محاکمه عادلانه پیش از آن که در قوانین حقوق بشری یا سایر معاهدات بین‌المللی ظهور پیدا کند، قرن‌ها پیش در احکام مترقی اسلام تجلی یافته و قانون اساسی ایران نیز با بهره‌گیری از فقه امامیه، حصول یک محاکمه عادلانه را منوط به آنها دانسته و نقض هر اصل علاوه بر ضمانت‌های اجرایی، که در قانون مجازات اسلامی برای آن تعریف شده است، موجب نقض محاکمه عادلانه خواهد شد.

۱۰- محاکمه عادلانه در پرتو حقوق شهروندی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران

اولین ماده قانون آیین دادرسی کیفری اشعار دارد: «قانون آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود».

در متن ماده یک، به رعایت حقوق بزه‌دیده اشاره شده، که ممکن است در روند رسیدگی قضایی حادث شود و پیش‌بینی‌هایی در این خصوص شده است. به عنوان مثال برخی از حقوقدانان معتقدند که تضمین حقوق طرفین مصرحه در ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۲۲)، رعایت اصل بی‌طرفی در ماده ۳ (۲۳)، رعایت حقوق شهروندی در ماده ۷ (۲۴) با قید ضمانت اجرای متخلفین از ماده فوق‌الذکر، امکان حضور وکیل هنگام تحقیقات مقدماتی در ماده ۴۸ (۲۵)، و سایر مواد پیش‌بینی شده در این قانون و قانون حقوق شهروندی، همگی براهینی بر ضرورت یک محاکمه عادلانه تلقی می‌شوند، که قانونگذار ایرانی نیز در قوانین داخلی خود گنجانده است. همچنین به تأسی از بند ۵ از ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و صرفاً در امور

کیفری (به این دلیل که با حیات بشری ارتباط دارد)، حق تجدیدنظرخواهی از احکام صادره برای محکوم‌علیه در نظر گرفته شده است. این مهم، در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز به عنوان یکی از مبانی محاکمه عادلانه در مواد ۲۳۲ الی ۲۶۰ گنجانده شده است و از آن به عنوان تضمین اصل محاکمه عادلانه یاد می‌کنند.

۱۱- نتیجه

بنا بر مواد مصرّحه کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی، که در قوانین اساسی و داخلی کشورها تجلی یافته است، حق محاکمه عادلانه را باید حقی دانست که در پرتو آن، همه ابناء بشر در مقابل دادگاه برابر بوده و هر کس حق دارد که دعوای او شنیده شده و دادخواهی او در یک محکمه علنی و مستقل و دارای صلاحیت با رعایت اصل بی‌طرفی مورد رسیدگی واقع شود. این مهم، باید دارای ضمانت اجرایی بوده و مورد قاطبه اکثر کشورهای عضو و غیرعضو می‌باشد.

بهره بردن از واژه کشورهای غیرعضو در این مقال، مسامحه نیست، بلکه از آنجا که برخی از موارد حقوق بشری، به صورت یک هنجار و عرف بین‌المللی درآمده است، لذا قاطبه کشورها خود را به تبعیت از این رویه جهانی مکلف می‌دانند؛ هر چند که الحاق خود به معاهده را اعلام نکرده باشند. از دیگر خصایص یک محاکمه عادلانه می‌توان به وجود دادگاهی بی‌طرف، که در آن اصل تناظر با رعایت کامل بی‌طرفی امکان‌پذیر باشد، احصاء گردیده است، زیرا رسیدگی به اتهام فرد در محکمه‌ای فاقد صلاحیت و نفوذپذیر، عدم رعایت اصل برائت، عدالت در محاکمه را تخدیش می‌نماید؛ گرچه باید در این مرحله قائل به تخصیص بود، که در برخی موارد و برابر آنچه که در متن معاهدات بین‌المللی و قوانین داخلی تجلی یافته، علنی یا غیرعلنی برگزار نمودن محاکمه، بنا به دلایلی از جمله اخلاق عمومی، مصالح ملی و امنیتی، مصالح متهم یا زیان‌دیده و ... نمی‌تواند نقض محاکمه عادلانه تلقی شود، زیرا ایجاد این گونه محدودیت‌های قضایی، مورد پذیرش و قبول جامعه جهانی قرار گرفته است.

در مجموع، با تمام هر آنچه که از معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، قانون اساسی، قانون حقوق شهروندی (۲۶) و قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که محاکمه عادلانه به فرایندی قضایی یا شبه قضایی، اعم از کیفری یا مدنی اطلاق می‌شود که برابر قوانین مارالذکر، کلیه قوانین حقوق بشری، اعم از بین‌المللی و داخلی به طور منصفانه و در بی‌طرفی کامل مراعات شده و عدم اجبار متهم به اقرار علیه خود، حق داشتن وکیل، سخن به زبانی که برای متهم قابل فهم باشد، در اختیار داشتن مترجم و ... را به عنوان پیش‌درآمد یک محاکمه عادلانه در کنار اصل وزین برائت محفوظ و جاری نماید.

توضیحات مربوط

۱. جنگ‌های صلیبی به سلسله‌ای از جنگ‌های مذهبی گفته می‌شود که به دعوت پاپ توسط شاهان و نجبای اروپایی داوطلب برای بازپس‌گیری سرزمین‌های مقدس از دست مسلمانان برافروخته شد. صلیبیان از همه جای اروپای غربی در جنگ‌هایی مجزا بین سال‌های ۱۰۹۵ تا ۱۲۹۱م شرکت داشتند. مبارزان صلیبی یا به اختصار صلیبیان، مسیحیان کاتولیکی بودند که علیه مسلمانان و مسیحیان ارتدوکس در قلمرو روم شرقی و در ابعاد کوچکتر با اسلاوها و بالت‌های پگان، مغول‌ها، و خوارج مسیحی می‌جنگیدند؛ گرچه در بازه‌هایی مسیحیان ارتدوکس با آن‌ها متحد شده، علیه مسلمانان می‌جنگیدند. صلیبیان، توسط پاپ مورد تکریم قرار گرفته و آمرزیده می‌شدند.

۲. نسل اول حقوق بشر شامل حقوق مدنی و سیاسی تعریف شده است. این حق‌ها که لازمه‌اش عدم مداخله دولت‌ها است و جزء آزادی‌های مدنی می‌باشند، دولت‌ها را و می‌دارند تا از دخالت در آزادی‌های فردی خودداری ورزند و در برابر آن، متعهد به پاسخگویی باشند. از ویژگی مندرج در این نسل از حقوق، همان تأکید بر اصالت فرد است.

نسل دوم حقوق بشر شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. اهدافش بر اصول آزادی، برابری و برادری انسان‌ها بود. این نسل از حقوق بشر، که نسل دوم یا "حق‌های مثبت" را شامل می‌شود به گونه‌ای هم "تعهد به انجام" و "عدم انجام عمل" نام دارد.

نسل سوم حقوق بشر حق صلح، حق توسعه، حق همبستگی است. این حقوق در دوران پس از تأسیس سازمان ملل شکل گرفت. از این رو، در برخی از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و همچنین برنامه‌ریزی اولیه تعدادی از معاهدات در منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها بیان گردیده است. حقوقی که متعلق به "حق‌های مردم" است و رویکردی جهان‌سومی دارند. لذا، نسل سوم حقوق بشر به "حق همبستگی" یا "حقوق جمعی" نیز معروف شده‌اند، که به معنای برابری و تساوی ابنای بشر می‌باشد. تساوی به معنی مشارکت همه ارکان جامعه مدنی است که به افزایش سطح رفاه عموم منجر می‌شود.

نسل چهارم حقوق بشر شامل دستاوردهای علم ژنتیک و علم پزشکی قانونی است. از انواع این حقوق، می‌توان به حق شبیه‌سازی انسان، تغییر جنسیت، حق سقط جنین، حق پیوند اعضا و حق مرگ مغزی اشاره نمود.

۳. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: شم‌آبادی، ۱۳۹۱.

۴. دوره‌ای از تاریخ اروپا از قرن پنجم تا قرن پانزدهم میلادی را "قرون وسطی" (سده‌های میانی یا قرون میانی) گویند. این دوران با سقوط امپراتوری روم غربی آغاز گشت و با آغاز دوران رنسانس

و عصر کاوش‌ها پایان یافت. قرون وسطی دوره میانی در تقسیم‌بندی فرهنگی تاریخ غرب است.

۵. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: رضانی، ۱۳۹۰: ۸۹-۱۱۱.

۶. دادرسی توسط هیأت منصفه (Trial by Jury).

۷. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: امینی، ۱۳۹۵.

۸. روز جهانی حقوق بشر یک رویداد سالانه است که در ۱۰ دسامبر برگزار می‌شود. این روز توسط یونسکو نامگذاری شده است و علت نامگذاری این روز، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، به عنوان یک پیمان بین‌المللی است که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسیده است.

۹. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: وب سایت رسمی سازمان ملل متحد (United Nation)

۱۰. مراد از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، که گاهی از آن به اختصار با نام کنوانسیون اروپایی نیز یاد می‌شود، در حقیقت «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» است که از آن با علائم اختصاری (ECHR) در برخی متون یاد می‌شود. کنوانسیون مذکور از جمله اسناد تدوین شده توسط شورای اروپا است. این سند بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم توسط دولت‌های عضو شورای اروپا در سال ۱۹۴۹ با هدف ارتقای فرهنگ، حیات سیاسی و اجتماعی اروپا و ترویج و توسعه حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون در اروپا تدوین شد.

۱۱. American Convention on Human Rights Signed by the Organization American States

Sanjose. ۱۲

۱۳. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: دانشنامه پژوه، ۱۳۹۶.

۱۴. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: سایت مرکز پژوهش‌های جمهوری اسلامی ایران

۱۵. اصل ۱۹ قانون اساسی: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود».

۱۶. اصل ۲۰ قانون اساسی: «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

۱۷. اصل ۳۴ قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی، که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد».

۱۸. اصل ۳۵ قانون اساسی: «در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب

نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

۱۹. اصل ۳۶ قانون اساسی: «حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».

۲۰. اصل ۳۷ قانون اساسی: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

۲۱. اصل ۳۸ قانون اساسی: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود».

۲۲. ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود».

۲۳. ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «مراجع قضائی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاهترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند».

۲۴. در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، مصوب ۱۳۷۵/۴/۴، محکوم می‌شوند، مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

۲۵. ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری: با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یکساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

۲۶. در مقدمه بیانیه این قانون آمده است: «نظر به این که حقوق شهروندی، بر اصولی همچون کرامت انسانی، صیانت از حقوق و آزادی‌های غیرقابل سلب، حاکمیت مردم، برخورداری همه مردم از حقوق انسانی مساوی، منع تبعیض و حمایت یکسان قانون از همه افراد ملت مبتنی است». برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵.

فهرست منابع

- * اعلامیه جهانی حقوق بشر در وب سایت رسمی سازمان ملل متحد، به آدرس اینترنتی:
<https://www.un.org/en/universal-declaration-human-rights>
- * امینی، اعظم، «بازاندیشی رابطه انصاف و حقوق»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی، پاییز، شماره شانزده، ۱۳۹۵.
- * انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب مکاسب، چاپ اول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، کمیته تحقیق تراث شیخ اعظم، ۱۴۱۵.
- * جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ نهم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۷.
- * حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن هذلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- * دانشنامه پژوهه، مقاله کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ۱۱ آذر ۹۶، وب سایت رسمی پژوهشکده باقرالعلوم به آدرس:
http://pajoohi.ir/%DA%A%9D%86%9D%88%9D%8A%7D%86%9D%8B%3DB8%CD%88%9D%-86%9D%8A%2D%85%9D%8B%1DB8%CD%A%9D%8A%7DB8%CD%DB8%CD%8AD%D%82%9D%88%9D%-82%9D%8A%8D%8B-%D%8B%1__a35607-.aspx
- * دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، چاپ دوم از دوره جدید، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- * راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: ندیم مرعشلی، تهران، مکتبه مرتضویه لایحیاء الآثار الجعفریه، ۱۹۷۲/۱۳۹۲.
- * رضائی، علی، «معنای حق نگاه اندیشمندان اسلامی»، مجله معرفت حقوقی، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۰.
- * شم‌آبادی، ابوالقاسم، «بررسی نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر»، ۱۳۹۱/۳/۲، وب سایت تخصص فقه و حقوق به آدرس:
<http://abolghasemshamabadi.blogfa.com/post/389/%D%8A%8D%8B%1D%8B%1D%8B%3DB8%CD%86%9D%8B%3D%84%9C%2AD-%D%87%9D%8A%7DB8%CD%8B%3D-87%9%D%A%7D%86%9D%-87%9D%8AD%D%82%9D%88%9D8-%9D%8A%8D%8B%4D%8B-1>
- * صرامی، سیف‌الله، مقایسه منابع و روش‌های فقه و حقوق؛ گفت و گو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.

- * طبرسی، امین‌الاسلام، مجمع البیان فی تفسیر قرآن، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- * عمید، حسن، فرهنگ فارسی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- * کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ سی و چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲.
- * کبیری سرمزده، جعفر، «مفهوم حق در دو پارادایم "فقه مدنی" و "دموکراسی غربی"». آموزه‌های فقه مدنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره چهاردهم، پاییز - زمستان ۱۳۹۵.
- * مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، به آدرس اینترنتی:

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92374>

- * معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، سرایش، ۱۳۸۷.
- * منشور حقوق شهروندی، ابلاغی آذرماه ۱۳۹۵، در آدرس:

<http://epub.citizensrights.ir/CitizensRights.pdf>

Examining the Basics of the Right to Enjoy Fair Trial in the Universal Order of Human Rights

Dr. Nusratullah Saberi^۱, Dr. Mansoureh Bagheripour^۲, Dr. Seyed Ibrahim Hosseini^۳

^۱. Doctor of Law, University of Tehran. Tehran Iran. (Author). Saberi.nosratoll@ut.ac.ir

^۲. Doctor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law. Islamic Azad University. Central Tehran Branch. Tehran Iran.

^۳. Assistant Professor of Law. Imam Khomeini Educational and Research Institute. Qom - Iran.

Received: ۰۵ April ۲۰۱۹ Accepted: ۲۳ August ۲۰۱۹

Abstract:

The existence of a non-normative society remains much like the idea of utopia, and dealing with people in such a community as a charge can be very challenging. One of the cases recognized by the international community is the right to a fair trial. The right that all human beings before the tribunal should be treated in accordance with the principle of impartiality, in which it is possible to explain its position in the field of domestic and international law, because it seems Some statesmen have ignored it in the process of dealing with and leaving the path of justice and fairness, putting it in jeopardy, and with the pressure of political groups, the process will be considered a more formal trial. Therefore, by obeying the covenants. International and the necessity of establishing a mechanism for the defendant's right to a fair trial in domestic law, the need to insist on this important point in the expression of the accused's right, which is the goal of the moral right, is considered.

Keywords: Criminal Procedure, Right, Defendant, Fair Trial, International Covenant



studies of economic
jurisprudence